

فصل سوم

گُردها سلاح بی ثبات سازی جمعیِ واشنگتن در خاور میانه

نوشته سارا عابد



مفسر سیاسی و روزنامه نگار مستقل

گُردها اسطوره «شورش میانه رو»

Le mythe du « rebelle modéré » kurde
par Sarah Abed

در این سومین و آخرین بخش از بررسی طرح ایجاد یک دولت گُرده خارج از کردستان تاریخی و با خسارت آوردن به مردم عرب و مسیحی، سارا عابد مشاهدات دهشتناکی را مطرح می کند. این مقاله می تواند نزد برخی از خوانندگان ما طرفدارانه بنظر رسد، با وجود این همه گزارشات از اعتبار کافی برخوردار بوده و صحت آنها به سادگی اثبات پذیر است.

شبکه ولتر | 9 سپتامبر 2017

Réseau Voltaire | 9 septembre 2017

گُردها و آشوری ها : تنش های قدیمی به روز شده

بخش مهمی از آنچه گُردها به مثابه فرهنگ خاص خودشان معرفی می کنند و مدعی آن هستند از فرهنگهای قدیمی تر به عاریت گرفته شده، از جمله آشوری ها، ارمنی ها و کلدانی ها. در واقع، بخش مهمی، اگر نگوئیم کل سرزمینی که در شرق ترکیه به فراخواست گُردها تعلق دارد و مدعی آن هستند در

گذشته به ارمنی ها تعلق داشته است. به سادگی درمی یابیم که به چه علتی کردها در کشتار جمعی آشوری ها و سپس ارمنی ها در سال 1915 بدست ترکها (1) شرکت داشته اند (2).



گروهی از مردم قربانیان کشتار جمعی ارمنی ها در سال 1915 را در دیرالزور، سوریه به تاریخ 1938 از زمین بیرون می کشند.

(انستیتو موزه کشتار جمعی ارمنی ها)

© Musée-Institut du Génocide Arménien

این رویداد به نام « سال شمشیر » نیز شهرت دارد، این کشتار جمعی مسیحیان ساکن امپراتوری عثمانی را طی جنگ جهانی اول در سال 1915 هدف گرفته بود (3) و تا 75% موجب کاهش جمعیت آشوری ها شد.

در دشت نینوا، در شمال عراق، کردها در شهرها زندگی می کنند. یکی از این شهرها دُهوک (یا دُهوک به معنای دهکده کوچک) است که در گذشته آشوری ها آن را ناهودرا می نامیدند، و این شهر از وقتی که کردها اخیراً در آنجا ساکن شدند به آنان تعلق گرفت. ولی اگر فقط به شاخص هویت فرهنگی و اصالت تاریخی به قدمت چندین هزار سال اتکا کنیم، این سرزمین ها همیشه به آشوری ها تعلق داشته است. ولی این سرزمینها را در سالهای 70 به کردها اهدا کردند، زیرا هدف این بود که توجه کردها را از شهر کرکوک (شهر عراقی) و پیرامون آن که غنی از منابع نفتی ست منحرف کنند. با چنین هدفی، مهاجرت کردها به دُهوک صورت گرفت و موجب جابجائی بعضاً اجباری آشوریها شد، در نتیجه فراخواست آشوریها از دیدگاه حقوقی و تاریخی خیلی موجه تر بنظر می رسد.

این تاکتیکی ست که عموماً از سوی کردها به کار بسته می شود تا به «تلاش مقدس» خودشان برای ایجاد دولت مستقل قانونیت ببخشند، یعنی چیزی که هرگز در تاریخ وجود نداشته است. تاکتیک چنین

است که هر کجائی که در دوره ای خاص گُردها به آنجا سرازیر شده و انتقال یافته اند را «کردستان» می نامند. ولی چنین امری برای ادعای حق مالکیت سرزمین کافی نیست.

در آغاز سالهای 70، گُردهای نینوا به ایفای نقش «مُهره» بازی در خدمت منافع ایالات متحده آمریکا خو گرفتند. در این وضعیت بود که به کشور میزبان خود خیانت کردند، و با میانجیگری شاه ایران که به سهم خود نقش عروسک خیمه شب بازی آمریکا را به عهده داشت مسلح شدند و علیه دولت مرکزی دست به شورش زدند.

دولت عراق آنان را از سرزمینهایی که اخیراً تصرف کرده بودند بیرون راند. عراق و ایران نیز در عرصه دیپلماتیک با هم سازش کردند. و نتیجه این شد که بقول ضرب المثل معروف «سرشان کلاه رفت» و در دامی افتادند که از این پس باید به سناریوی تکراری تبدیل می شد.

پدیده تقریباً مشابهی در سالهای 80-90 روی داد، یعنی وقتی که طی نخستین جنگ خلیج (فارس) منطقه ممنوع پرواز به نفع گُردها تمام شد و برای آنان پشتیبانی و حفاظت به ارمغان آورد.



چریکهای حزب دموکراتیک کردستان پس از خارج کردن پایتخت «کرد» از دست رقیبشان اتحاد ملی کردستان در اوت 1996 از دروازه های اربیل در عراق محافظت می کنند، در اول سپتامبر 1996. نیروهای رئیس جمهور عراق صدام حسین به اربیل حمله کردند و اتحاد ملی کردستان را بیرون راندند و به این ترتیب شرایط استقرار حزب دموکراتیک کردستان فراهم آمد. درگیری های داخلی 20 میلیون از جمعیت گُرد را که در مناطق کوهستانی در نقطه اتصال مرزی سوریه، ترکیه، ایران، عراق، ارمنستان و آذربایجان به سر می بردند در شرایط بسیار بدی قرار داد.

«با وجود اینکه کردها طعم ستم ترکها را چشیده بودند، در منطقه کردستان شمال عراق دولت اقلیم کردستان (GRK) به همان شیوه ای دست زد که دولت ترکیه طی 90 سال علیه کردها و آشوریها به کار برده بود. گزارشات حاکی از اعمال بی عدالتی فزاینده نسبت به آشوری ها در «کردستان» خودمختار عراق است. ما شاهد اذیت و آزار دائمی و سازماندهی شده به پشتیبانی مقامات گرد هستیم. هدف همانی ست که ترکها در گذشته پی گیری می کردند، یعنی به زیر سلطه آوردن و یا اخراج آشوریهایی که طی 7000 سال در این سرزمینها زندگی کرده بودند، همان گونه که اوژین هنینک Augin Haninke در مقاله اش نوشته است: «کردها، قربانی و دژخیم آشوریها» (4).

ویدئو: https://www.youtube.com/watch?time_continue=153&v=n3ZvYZKtsuY

همانگونه که ویدئوی بالا توضیح می دهد، نیروهای امنیتی گرد در سوریه فرمانده نظامی آشوری دیوید جیندو David Jindo را شکنجه و سپس به قتل رساندند در حالی که برای همکاری برایش دعوتنامه فرستاده بودند، ولی در واقع دامی بود که پیش پای او گسترده بودند. این نوع شیوه های توطئه آمیز در تاریخ بی بدیل نیست و یادآور قتل اسقف سیمون نوزدهم بنیامین به دست اسماعیل آقا سیمیتکو می باشد که او را به خانه اش دعوت کرده بود (مترجم: اسماعیل سیمیتکو یا اسماعیل آقا شکاک معروف به سمکو شکاک رئیس ایل شکاک در منطقه مرزی ایران و ترکیه بود... در 30 تیر 1309 به دست رضا شاه به کشته شد. مراجعه شود به ویکیپدیا)

دولت اقلیم کردستان در شمال عراق اعلان کرد که 25 میلیارد دلار بدهکار است، گرچه علاوه بر فروش نفت کمکهای خارجی معنی داری نیز دریافت کرده بود (5). در نتیجه ضروری ست تا درجه بزهکاری موجود در دولت گرد را نیز به دلیل وضعیت اعلان شده به پرسش بگیریم. پیامد چنین امری چنین است که سازمان های کوچک خیریه به حال خود واگذار شده اند، با وجود این، در مورد تسهیل و پخش کمک به آشوری ها و یزدانی ها به اختیارات حقوقی دولت اقلیم کردستان تعلق دارد.



«میان رودان مهد تمدن» جمله مشهوری است که در تابلوی بالا تعبیر تحریف شده اش را می بینیم : «کردستان مهد تمدن». این تابلو در سایت تاریخی آشوری خنس در شهر دُهوک واقع شده. از این نوع مکانهای تاریخی خیلی وجود دارد و غالباً طعمه بزهکاری می شود.

در سال 2011 امام های دُهوک کردهای سنی مذهب را فراخواندند تا کلیساها و فروشگاه های مسیحی را تخریب کنند. در نتیجه، فروشگاه ها مورد حمله قرار گرفتند، کلوپها توسط گروه های سدها نفره به محاصره درآمدند. گروه های مهاجم با سلاح ها کمری هتل ها و رستوران ها را تاراج کردند (6). (ویدئوی زیر را ببینید)

https://www.youtube.com/watch?time_continue=281&v=eQKoWlaPam8

در این سال های گذشته، کردها در مناسباتشان با اقلیت ها، از جمله با مسیحیان به علاوه آشوری ها و حتا یزدانی ها، به شیوه بزهکارانه ای رفتار کرده اند. این جنایات همان گونه که می توانیم در تصویر زیر ببینیم به شکل گسترده از چهارچوب رویزیونیسم تاریخی پا فراتر می نهد. رویداد مشابهی در آغاز قرن نوزدهم به وقوع پیوست و آن نیز وقتی بود که کردها به شمال سوریه پناهنده شدند و عرب ها و آشوری ها را از چندین شهر بیرون راندند.

کردها به داعش اجازه دادند که آشوری ها را قتل عام کنند

در ژوئیه 2014، وقتی داعش شروع به نفوذ در خاک عراق کرد، حزب دموکراتیک کردستان (PDK) آشوری ها را دائماً خلع سلاح می کرد تا بعداً از آنها برای نبردهای خودشان استفاده کنند.

إعلان

إلى المواطنين في قره قوش (بغديدا) وكرمليس
وبرطلة .
على من بحوزته أي سلاح متوسط أو ثقيل أو
ذخيرة لهذه الأسلحة تسليمها إلى اللجنة الأمنية
وفي حالة عدم التسليم وحصول عملية التفتيش
والعثور على مثل هذه الأسلحة يتعرض لأقصى
العقوبات القانونية .
لذا نهيب بجميع المواطنين للتعاون مع اللجنة
الأمنية مع التقدير

رئيس اللجنة الأمنية في
قضاء الحديانية

راهنمای خلع سلاح که از سوی دولت اقلیم کردستان
GRK در شهرهای آشوری در دشت نینوا منتشر شد.

اعلامیه هائی منتشر می شد و تهدید می کرد که آنانی که سلاح هایشان را تحویل ندهند شدیداً مجازات خواهند شد و در ازای آن پیشمرگها به مردم اطمینان می دادند که از آنان محافظت خواهند کرد. ولی با پیشرفت و گسترش نیروهای داعش، پیشمرگها سلاح ها را توقیف کردند و مثل ارتش عراق پا بفرار گذاشتند. این وضعیت موجب شد که آشوری ها و یزدانی ها (یا ایزدی ها) در مقابل جهاد طلبان بی دفاع بمانند. حتا برخی گزارشات نشان می دهد که پیشمرگان یزدانی هائی را که می خواستند با سلاحهایشان فرار کنند مورد اصابت گلوله قرار می دادند و جلوی فرار آنان را می گرفتند.

حیدر ششو یکی از فرماندهان یزدانی ها موفق شده بود از طریق دولت عراق به تعدادی اسلحه دست یابد، ولی مقامات حزب دموکرات کردستان او را به جرم تشکیل گروه شبه نظامی «غیر قانونی» باز داشت کرد. این صحنه در سرتاسر کشور تکرار شد و سرانجام به نقل از راویان اخبار موجب شد که بیش از 150000 آشوری به زور از سرزمین آبا و اجدادی خود و از دشت نینوا رانده شوند.

بی گمان در این رویداد چیزی بجز توطئه رهبران گُرد نمی بینیم که هدفشان پاکسازی قومی و تخلیه منطقه از ساکنان غیر گُرد با استفاده از مداخله یک نیروی خارجی (تروریستهای داعش) به کمک ایالات متحده آمریکا بود تا سرزمینهایشان را تصرف کنند: بخوانید «سرزمینهای گُرد را آزاد کنند».

در 13 آوریل 2016، نیروهای امنیتی کُرد مانع تظاهرات سدها نفر از آشوریها در مقابل پارلمان دولت اقلیم کردستان شدند. این تظاهرات به هدف اعتراض به مصادره زمین های آشوریها بدست کردها در شمال عراق سازماندهی شده بود.

گزارشات متعددی نشان می دهد که اعلامیه ای که جلوی پارلمان بریتانیا توسط اسیر سابق یزدانی، سلوا خلف راشو Salwa Khalaf Rasho ایراد شد، حاکی از این امر است که پیشمرگانی که می خواستند پیش از یزدانی ها فرار کنند، درخواست شهروندان غیر نظامی یزدانی ها را برای حفاظت و یا حفظ سلاح هایشان مردود دانستند. پیشمرگان حتا به یزدانی ها توصیه کردند که بنفع آنان است که به خانه هایشان بازگردند زیرا در آنجا از آنها دفاع خواهد شد.

برخی پیشمرگان در مقابل اعتراضات بیش از پیش پر تحرک، سرانجام به روی یزدانی ها آتش گشودند تا کاروانشان بی هیچ مانعی عبور کند. یزدا Yazda سازمانی ست که برای بازشناسی کشتار جمعی یزدانی ها مبارزه می کند، در ماهنامه خود در ژانویه 2016 نوشت: «اگر [یزدانی ها] حتا برای یک روز حفاظت شده بودند، می توانستند در امنیت کامل منطقه را ترک و از کشتار و اسارت و بردگی شان بدست داعش اجتناب کنند».

آنچه در اینجا از نظرتان می گذرد گزیده ای ست از شکایات راشو Rasho در مجلس عوام بریتانیا که پس از رهائی از چنگ داعش طی هشت ماه بردگی و تحمل تجاوز و چندین ارتکاب به خودکشی درخواست کمک کرده است (7).

«نام من سلوا خلف راشو Salwa Khalaf Rasho، متولد سال 1998 و در کلاس سوم دبیرستان بودم و زندگی ساده و فروتنانه ای را در کنار خانواده ام می گذراندم تا اینکه داعش در روز 3 اوت 2014 به شنگال (در استان نینوا در شمال باختری عراق) حمله کرد. به این شهر، شنگال خیلی دلبستگی داشتم. در فضائی آمیخته به مدارا نسبت به اعضای جامعه مستقل از رسوم، آئین، ایدئولوژی یا دین بزرگ شده بودم زیرا ارزشهای مذهبی ام مرا از نفرت ورزی نسبت به دیگران و تبعیض باز می داشت.»

در واقع شنگال برای سنت مدارا و تنوع قومی شهرت خاصی داشت. ولی آنچه روی داد غافلگیرانه و شوک آور بود، زیرا ما داعش را به مثابه برادران خودمان تلقی می کردیم. من از قبیله های عرب دهکده هائی که در شگال بودند حرف می زدم. ناگهان این قبیله ها به داعش پیوستند و به هیولا و گرگ تبدیل شدند و زنان و کودکان یزدانی ها را به اسارات و بردگی کشیدند و مردان را نیز به قتل رساندند (8).

در شهر من تقریباً 9000 پیشمرگ حضور داشت که سلاح های متنوعی در اختیار داشتند و به ما گفتند که: «ما از شما محافظت خواهیم کرد و از شگال دفاع می کنیم. داعش برای ورود به شهر باید از روی جسد ما عبور کند. ما تا آخرین نفس از شگال دفاع خواهیم کرد.»

متأسفانه، پیشمرگان بی آنکه مقاومتی از خود نشان دهند از مقابل داعش گریختند، و بی آنکه به مردم اطلاع رسانی کنند تا ما بتوانیم از گرفتار آمدن به چنگ هیولای داعش اجتناب کنیم. ولی زن و کودک را

به سرنوشت شوم خود سپردند و رها کردند. مثل دیگران، من به همراهی افراد دیگری تلاش کردیم به مناطق کوهستانی فرار کنیم.»

نقض حقوق بشر

با آگاهی به این جنایات، به سادگی پی می بریم که چرا کردها غالباً به تحریف تاریخ مبادرت می ورزند و تاریخ عرب، آشوری یا ارمنی را به نفع خود تعبیر می کنند، و وقتی از این کار باز می مانند سعی می کنند هر گونه نشانه و اثری از گذشته را از بین ببرند، در این زمینه مثل داعش عمل می کنند.

هر بار که کردها در حملاتشان علیه ترکیه نا امید شده اند، به سوریه مهاجرت کرده اند و سپس مدعی شده اند که این سرزمینها به آنان تعلق دارد. برای مثال، در شهر عین العرب به همین شیوه دست زدند و آن را «کوبانی» نامیدند. این کلمه از نام یک «کمپانی» منشأ می گیرد و نام یک کمپانی راه آهن آلمانی است که ساخت خط راه آهن قونیه/بغداد را به عهده داشت. کردها شهر سوری قامیشلی را «قامشلو» «Qamišlo» نامیدند و آن را پایتخت خود اعلان کردند (9).

بد نیست بدانیم که کردها حتا در سرزمینهایی که در شمال سوریه مدعی آن هستند اکثریت را تشکیل نمی دهند. برای مثال، در استان حسکه 30% تا 40% جمعیت را تشکیل می دهند. این ارقام از آغاز جنگ علیه سوریه دائماً رو به کاهش داشته، زیرا بسیاری از کردها به کشورهای اروپائی مهاجرت کرده اند. اغلب آنان به آلمان مهاجرت کرده اند، و تقریباً جمعیتی معادل 1200000 نفر را تشکیل می دهند که اندکی کمتر از شمار آنان در سوریه است. با وجود این، بنظر نمی رسد که آنجا در پی کسب خود مختاری باشند، بلند پروازی آنان فقط به کشورهای میزبانان در خاورمیانه محدود می شود، یعنی بجای سپاسگذاری از این کشورها در پاسخ به مهمان نوازیشان می خواهند از پشت به آنها خنجر بزنند.

برای بسیاری از دعاوی عفو بین الملل در نبود بیانیه های دیگری که آنها را تأیید کند نمی توانیم اعتبار قائل باشیم (10). با وجود این، در برخی موارد حقیقت دارد، برای مثال وقتی پرونده مربوط به سال 2015 را بیرون می کشند که یگانهای مدافع خلق YPG را متهم به نقض یک سری نقض حقوق بشر دانسته اند (11).

یک سازمان غیر دولتی نوشته است « این اتهامات به ویژه مربوط است به انتقال ساکنان با اعمال زور، تخریب خانه ها، و به همین گونه سرقت و تخریب اموال»، «در برخی موارد دهکده ها کاملاً تخریب شده است. این دهکده ها به عرب ها یا ترکمن های تعلق داشته که ساکن آنجا بوده و با دولت اسلامی و یا دیگر گروه های مسلح مستقل همکاری کرده اند. تخریب خانه هایشان به بهانه همکاریهایشان صورت

گرفته.» عفو بین الملل به نقل از لاما فقیه مشاور با تجربه برنامه مدیریت بحران در عفو بین الملل، اعلام کرده است که از کودک-سرباز استفاده کرده اند.

کردها می گویند که «کردستان» آنان چند فرهنگی با مذاهب متعدد است، در حالی این گونه دعوای دروغپردازی محض است به این علت که دیگران مردمانی هستند که پس از اینکه زمینهایشان را به زور تصاحب کردند در فاصله از جامعه گرد زندگی می کنند. این افراد احتمالاً می توانند خیلی بهتر درباره تحولات کشورشان و تبدیل آن به «کردستان» مستقل حرف بزنند، ولی به دلیل انتقال مردمان منطقه در اقلیت هستند.

چرا کردها فاقد دولت هستند ؟

بخش خاور میانه در توافق نامه سایکس-پیکو که رسماً «توافق نامه آسیای صغیر» نامیده شده، به توافقات سری مربوط می شود که در سال 1916 توسط بریتانیا و فرانسه با توافق امپراتوری روسیه به امضا رسید (12). توافق نامه مرزهای کشورهایمانند سوریه، عراق و اردن را تعیین و تثبیت کرد، کردها تأثیر چندانی نداشتند. غایت اصلی این توافقات برای امپراتوری های استعماری فرانسه و بریتانیا حفظ نفوذ و برتری آنان بود. کردها نتیجه گرفته بودند که سرزمینی به آنان واگذار خواهد شد، ولی در آخرین دقایق حذف شدند.

تاریخ گرد در قرن بیستم متأثر از پیدایش فزاینده احساس ملی گرد برای ایجاد دولت مستقل مطابق بر معاهده سور (traité de Sèvres) در سال 1920 است. کشورهایمانند ارمنستان، عراق، و سوریه در وضعیتی بودند که به استقلال دست یافتند، ولی ایجاد «کردستان» با منافع دولت جدید ترکیه که بدست مصطفی کمال آتاتورک بنیانگذاری شده بود تطبیق نمی کرد. در نتیجه کردستان هرگز وجود نداشته است.



در 28 مارس 1991، پس از بمباران توسط ارتش عراق برای خارج کردن منطقه از دست شورشیان گرد، کردها کرکوک را به مقصد اربیل ترک کردند.

یگانه مناطقی که در خاور میانه کردها موفق شدند چیزی شبیه خود مختاری بدست آورند به نام دولت اقلیم کردستان در عراق بود که حفاظت از اقلیتها مبتنی بر قانون جدید را تضمین می کند- و اسرائیل (13).

فقدان تناسب بین مناطقی که کردها در آنجا مستقر شده اند و مرزهای سیاسی و دولتهای منطقه جملگی عواملی را تشکیل می دهد که مانع توافق و حل مسئله کرد شده است. با وجود این، معاهده سور به اجرا گذاشته نشد و معاهده لوزان Lausanne را جایگزین کردند. مرز کنونی بین عراق و ترکیه در سال 1926 تعیین و تثبیت شد. گرچه مبنی بر ماده 63 معاهده سور حفاظت از اقلیتهای آشوری و کلدانی به روشنی تضمین شده است، ولی این موضوع در معاهده لوزان حذف شد.

لازم به یادآوری است که کردهای عراقی در سرزمینی مستقر شدند که دارای منابع سرشار از نفت است (14). استان حسکه در سوریه که کردها به شکل ناموجه و خود سرانه آنجا را پایتخت خودشان اعلان کردند: قامیشلی سرشار ترین منابع نفتی سوریه را تشکیل می دهد. در نتیجه جای شگفتی نیست که می بینیم ایالات متحده این همه روی کردها سرمایه گذاری می کند.

رفتار خشونتبار و غیر اخلاقی علیه اقلیتها به ویژه علیه مسیحیان

به گزارش روزنامه کرد انترنتی «رووداو» در مقاله ای که در سال 2014 منتشر شد، «احمد ترک» سیاستمدار کرد ترکیه اظهار داشت که کردها به سهم خود در «کشتار جمعی ارمنی ها» مسئول بوده اند و از جامعه ارمنی درخواست بخشایش کرد و گفت: «از والدین و پدر بزرگهای ما علیه آشوریها و یزدانی ها و به همین گونه علیه ارمنی ها سوء استفاده کردند. نیاکان ما این مردم را مورد آزار قرار دادند و دستهایشان به خون آغشته است. در جایگاه وارث این رویدادهای تاریخی، ما درخواست بخشایش می کنیم» (15).

کردها طی قرنهای گروه های اقلیت را مورد اذیت و آزار قرار داده و علیه آنان دائماً به کشتار جمعی ارتکاب ورزیده اند. محاسبه این جنایات بین 1261 و 1999 در «کشتار جمعی علیه ملت آشوری» به ثبت رسیده است.

در سال 1261 میلادی طی آن رویدادی که «ظهور کردها» نامیده شده، هزاران آشوری از دهکده های دشت نینوا، بغداد، برطله (قاراکوش)، بدنا، بشیرا و کرملیس برای اجتناب از مهاجرت عظیم کردها به سوی شهر اربیل فرار کردند. شاه صالح اسماعیل به خیلی از کردها دستور داده بود که از کوهستانهای ترکیه به دشت نینوا بروند. دهکده های آشوری در این دشتهای غارت شد و هزاران آشوری در گریز به اربیل از دم تیغ

گُردهای تازه از راه رسیده گذشتند و به مقصد نرسیدند. یک صومعه در بغداد تخریب شد و راهبه هائی که در آنجا زندگی می کردند به قتل رسیدند. مقاله ای که در سال 1915 در نیویورک تایمز منتشر شده می گوید که مسیحیان به شکل جمعی توسط تُرکها و گُردها به قتل رسیده اند.

The New York Times
FRIDAY, SEPTEMBER 24, 1915
(213)

500,000 ARMENIANS SAID TO HAVE PERISHED

Washington Asked to Stop Slaughter of Christians by Turks and Kurds.

Special to The New York Times.

WASHINGTON, Sept. 23.—Charles R. Crane of Chicago, a Director of Roberts College, Constantinople, and James L. Burton of Boston, Foreign Secretary of the American Board of Commissioners for Foreign Missions, visited the State Department today and conferred with Acting Secretary of State Polk and other officials regarding the slaughter of Armenians by Turks and Kurds in Asia Minor. They will attend a meeting of a general committee, to be held in New York within a few days, to devise a plan for appealing to the American people for funds and aid for as many of the unfortunate Armenians as can be helped.

It was learned, in connection with the conferences held here today, that general representations have from time to time been made to the Ottoman Government by Ambassador Morgenthau for humane treatment of Armenians. Despite these representations, the slaughter of Armenians has continued. The records of the State Department are replete with detailed reports from American Consular officers in Asia Minor, which give harrowing tales of the treatment of the Armenian Christians by the Turks and the Kurds. These reports have not been made public. They indicate that the Turk has undertaken a war of extermination on Armenians, especially those of the Gregorian Church, to which about 90 per cent. of the Armenians belong. The Turkish Government originally ordered the deportation of all Armenians, but, some time ago, after representations had been made by Ambassador Morgenthau, the Ottoman Government gave assurances that the order would be modified so as not to embrace Catholic and Protestant Armenians.

Reports reaching Washington indicate that about 500,000 Armenians have been slaughtered or lost their lives as a result of the Turkish deportation order and the resulting war of extinction. Turkish authorities drove the Gregorian Armenians out of their homes, ordered them to proceed to distant towns in the direction of Bagdad, which could only be reached by crossing long stretches of desert. During the exodus of Armenians across the deserts they have been fallen upon by Kurds and slaughtered, but some of the Armenian women and girls, in considerable numbers, have been carried off into captivity by the Kurds. The reports that have been sent to the State Department by its agents in Asia Minor fully confirm these statements made in the appeal sent to this country by Viscount Bryce, formerly British Ambassador to the United States, to try to stop the slaughter of the Armenians. Viscount Bryce stated that the horrors through which the Armenians have passed have been unparalleled in modern times.

September 24, 1915 (213)

Special Cable to THE NEW YORK TIMES
ALEXANDRIA, Sept. 23. (Dispatch to The London Morning Post.)—British refugees from Urfa, who arrived in Alexandria yesterday, brought terrible tales of sufferings of interned allied subjects. They were not supplied with food, furniture, or servants, and were housed in an Armenian monastery the monks in which had been massacred. They witnessed the Armenian massacres of Aug. 19. Urfa was the centre of ghastly scenes. The Turks systematically murdered men and turned women and children out into the desert, where thousands perished of starvation. The last batch of women and children left Urfa on Aug. 26. They were delayed a fortnight at Alexandretta, awaiting a ship in filthy quarters and half starved. They finally embarked for Alexandria in an American warship. Two hundred Jewish refugees from Jaffa also arrived yesterday and 400 today. They state that Djemel Bey is determined on the extermination of Zionists, and has sworn no Jews will re-enter Palestine.

قبایل گُرد در ترکیه، سوریه و ایران طی جنگ جهانی دائماً با حملات شبه نظامی به همسایگان حمله کرده اند. گُردها با وفاداری به سنت قدیمی شان که عبارت است از قانونیت بخشیدن به غارت دهکده های مسیحی، مسئول بسیاری از جنایات علیه آشوری های مسیحی هستند. در سال 1918 یکی از رؤسای قبیله ترک اسقف کلیسای آست را طی دعوت به گفتگو پای میز گفتگو به قتل رساند که سرانجام به کشتار جمعی مسیحیان انجامید.

تبانی گُردها در کشتار جمعی ارامنه

کشتار جمعی ارامنه طی جنگ جهانی اول روی داد و در دو مرحله به اجرا گذاشته شد: حذف مردان سالم یعنی کشتار آنان و یا تحمیل بیگاری به مشمولین خدمت سربازی، سپس انتقال زنان و کودکان،

سالخوردگان و معلولین به راهپیمائی اجباری در بیابانهای سوریه (16). راهپیمایان توسط نیروهای نظامی همراهی می شدند و محروم از خوراک و آب دائماً مورد تجاوز قرار می گرفتند و یا به قتل می رسیدند.

بومیان دیگر و گروه های اقوام مسیحی، مثل آشوری ها و یونانیان پنتوسی طعمه کشتار جمعی بدست دولت عثمانی بودند و تاریخ شناسان شیوه به کار بسته شده در نسل کشی را مشابه نسل کشی ارمنی ها شناسائی کرده اند. پس از وقوع نسل کشی، جامعه ارمنی به اطراف و اکناف جهان مهاجرت کردند. در استانهای غربی، ارمنی ها متحمل بوالهوسی های همسایگان ترک و گرد شدند که مالیاتهای سنگینی را به آنان تحمیل می کردند، زور گیری مسلحانه و گروگان گیری نیز علیه مسیحیان رواج داشت تا آنان را به دین اسلام بگروانند و از سوی دیگر، بهره برداری خارج از اقتدار مرکزی یا محلی نیز بیداد می کرد.

زیر فشار رهبران عثمانی، رؤسای قبایل کرد استانهای جنوبی را با ارتکاب به تجاوز، قتل و غارت در هم نوردیدند. و این اعمال را در سرزمینهای مرتکب شدند که تا پیش از این طی قرون متمادی در کنار ارمنی ها و دیگر اقوامی که مسلمان نبودند با همه پستی و بلندی های زندگی به سر برده بودند. هنری مورگانتو Henry Morgenthau (17) در مقام سفیر ایالات متحده آمریکا که هنگام وقوع رویدادها در کنستانتینوپول حضور داشته در کتاب «تاریخ سفیر مورگانتو» در خاطرات دهشتناکش به سال 1918 از تبنائی کردها به تفصیل یاد کرده است :

«کردها از کوههایشان به پائین سرازیر می شدند. به دختران جوان حمله می کردند، چادرهایشان را بر می گرفتند و زیباترینها را به کوه و تپه می بردند. کودکان را گروگان می گرفتند و سر راهشان با بی رحمی تمام هر کسی را می توانستند سر کیسه کنند. با ارتکاب به چنین بزهکاریهایی، کردها به رایگان دست به قتل می زدند، و فریاد زنان و سالخوردگان وحشت عمومی را دامنه دارتر می کرد (18).

تبعیض نسبت به کردهای فیلی در عراق

ضروری ست تا یادآور شویم که کردهای دیگری نیز وجود دارند که خطاهائی را که پیش از یادآور شدیم نباید به آنان نسبت دهیم. گروهی از کردهائی هستند که در جامعه میزبان مستقر شده اند و نظریات جدائی طلب نزد هم کیشان خود را مردود می دانند. این کردها به مسائل و مشکلات خاص کشوری که در آن زندگی می کنند می پردازند، و خواهان ایجاد «کردستان» متحد شده در بطن چهار کشور نیستند و آن هم به بهای بالکانیزه کردن منطقه، غارت، کشتار جمعی و نسل کشی یا دیگر اعمال غیر انسانی که پیش از این یادآور شدیم.

در واقع این گروه از کردها آماج تبعیض و لعن و نفرین گروه های گرد جدائی طلب قرار می گیرند زیرا از طرح آنان برای ایجاد دولت مستقل پشتیبانی نمی کنند. کردهای فیلی شمال عراق نمونه بارز این دسته

کُردها هستند (19). بسیاری از آنان مخالف همه پرسى اعلام شده در 7 ژوئن 2017 از سوى دولت اقليم كردستان عراق برای اعلان استقلال هستند، زیرا از پیامدهای گسترش یابنده آن طى بحرانی که در جریان است مى هراسند.

نخست وزیر عراق حیدر آبادی موضوع گیرى رسمی دولت عراق را در 18 ژوئن اعلان کرد (20): «همه پرسى در منطقه كردستان درباره جدائی غیر قانونی و دولت فدرال از آن پشتیبانی نخواهد کرد، هیچ بودجه ای را نیز به این امر اختصاص نخواهد داد و در آن شرکت نخواهد کرد.»

ایالات متحده (21) و همسایگان عراق، ترکیه، ایران (22) و سوریه با تجزیه مرزى کشور مخالف هستند (23).

فواد علی اکبر عضو فیلی در شورای استان بغداد، به المونیتور گفت: «کُردهای شیعه هستند... نه شیعیان و نه کُردها توجهی به آنان نشان نداده اند. اغلب فیلی ها میانه رو هستند و فرهنگهای متنوعی را در خود جای داده، به همین علت نتوانستند اعتماد کُردهای دیگر و شیعیان را جلب کنند، به دلایل قومی و تمایلات فرقه گرای این گروه ها، نخواستند به آنان اجازه دهند که هویت ثابتی بدست آورند و از همان حقوقی برخوردار باشند که دیگر شهروندان عراقی از آن برخوردارند.»

حسن عبدالعلی فعال فیلی گفت: «ما کُردهای فیلی خودمان را عراقی اصیل مى دانیم. ما ریشه های عمیق تاریخی و اجتماعی در عراق داریم. ما در قیام رهائی بخش عراق علیه بریتانیائی ها از کشور و ساکنانش پشتیبانی کردیم، و در اقدامات کُردها و انقلابهای شیعیان و به همین گونه در جنگ علیه دولت اسلامی شرکت کردیم. و از سوى ناسیونالیستهای عرب و کُردها مورد تعرض قرار گرفتیم» (24).

علی اکبر نیز به المونیتور گفت: «اکثر فراخواسته های فیلی مربوط است به قابلیت احتمالی جابجائی، تلفات، مصادره ذخیره اقتصادی و غارت سیستماتیکی که در صورت اعلام استقلال كردستان متحمل خواهند شد، و به همین گونه پیامدهای منازعه بین دولت بغداد و دولت اقليم كردستان که آنان را تهدید خواهد کرد.»

سارا عبدال وحید Sara Abdel Waid رئیس گروه پارلمانی وابسته به گوران (حزب سیاسی کُردها عراقی) طى یک گردهمائی مطبوعاتی به همراهی نمایندگان فیلی و پارلمانی اعلان کرد: «همه پرسى که باید در ماه سپتامبر در كردستان برگزار شود، همه پرسى جانبدارانه بوده و نمی تواند نماینده خواست مردم کُردها باشد، به این علت که از مؤسسات قانونی ملی منشأ نمی گیرد.»

نژادپرستی کُردها علیه عرب ها و به ویژه علیه سوری ها

روزنامه نگار تحقیقاتی برونو جانتی Bruno Jantti در حالی که دربارهٔ داعش تحقیق می کرد، آنچه را که در کردستان عراق دیده بود بیان کرده و گفته است :

«طی تحقیقات در کردستان عراق، در همه جا از رفتارهای ارتجاعی نژاد پرستانه و جنسیت‌گرا شگفت زده شده بودم. برای تحقیق روی دولت اسلامی دو هفته در محل بودم، غالباً در سلیمانیه و دوهوک. در مشاهداتم نتوانستم از یادآوری بسیاری از ویژگیهای اجتماعی و فرهنگی که موجب شگفتی من شده بود اجتناب کنم. با توجه به آنچه در نزدیکی آنجا در سوریه در شرف وقوع بود، سطح نژادپرستی ضد سوری نفسم را بند می آورد. هر روز با این وضعیت روبرو می شدم. رانندهٔ تاکسی در سلیمانیه می گفت : « سوری ها کشور ما را تخریب کرده اند !» یکی دیگر با خشم علیه کودکان سوری حرف می زد، یعنی کودکانی که ویتترین ماشینها را پاک می کنند و یا میخ می فروشند... این کودکان را «بچه های کثیف !» می نامید. عراقی ها و سوری های عرب تبار که به کردستان عراق گریخته اند دائماً مورد تحقیر قرار می گیرند.

تنها راننده های تاکسی نبودند که چنین نظریاتی را مطرح می کردند. در ساختمان استانداری سلیمانیه، یکی از کارمندان زن ترجیح داد که ما را برای مصاحباتمان در اردوگاه پناهندگان منطقه آماده کند و کلمه به کلمه به من گفت که پناهندگان سوری «برای همه چیز شاکی هستند». در شهر دیگری، یکی از رؤسای پلیس خیلی ناراحت شده بود که چرا من و همکارانم می خواهیم برای کار تحقیقاتی به اردوگاه پناهندگان سوری برویم. رئیس پلیس با تحقیر گفت : «ولی اینها پناهنده های سوری هستند !»

من به تصویر منفی عرب ها، ایرانی ها و ترک ها در ذهنیت ناسیونالیست های کُرد آگاه شده بودم. در کردستان عراق مشاهدهٔ این نوع رفتارها برایم شگفت آور بود.» (25)

اسطورهٔ بزک شده

کُردها با نمایش انقلابی های فمینیست «مبارزان آزادی» مارکسیست که شعلهٔ آتشین تمنای جامعهٔ اوتوپییائی (با طرز تلقی کُردی) درقبلشان زبانه می کشد، و صلح همه شمول را نوید می دهد نزد افکار عمومی غرب به شکل فزاینده ای کسب اعتبار کردند (26)، تصویری که استفان گوانز Stephen Gowans اخیراً در «اسطورهٔ اخلاق والای یگانهای مدافع خلق کُرد» (27).



گردها در پی ایجاد دولتی خودمختار غیر قانونی به شکل نعل اسبی بین دولتهای مستقل و حاکم هستند. این آزادی که آنان جستجو می کنند به بهای کشتار مردم بومی کشورهای امکان پذیر خواهد شد که می خواهند به سلیقه خودشان تجزیه کنند (28).

گردها اجرای چنین طرحی را ابتدا با راندن مردم بومی از خانه و سرزمینهایشان به مدد استراتژی اعمال زور، ایجاد وحشت و به ضمانت و پشتیبانی سرمایه گذاران، و با نقض اعلامیه جهانی حقوق بشر آغاز کردند. در نتیجه پشتیبانی از چنین طرحی به معنای پشتیبانی از نسل کشی خواهد بود که بطور کلی عبارت است از بیرون راندن مردمان بومی از خانه و سرزمینهایشان، و با این حساب که در عین حال به اهداف امپریالیستی ملتهای غربی نیز خدمت می کند.

تا همین اخیراً، جدائی طلبان گرد نمایه مطلوبی در رسانه ها داشتند. ولی برنامه آنان مثل روز آشکار و نقاب از چهره نیت اصلی شان برداشت. اتحادشان در گذشته مثل امروز با اسرائیل و ایالات متحده آمریکا همان عنصری بود که نیت آنان را بر ملا کرد. این نیت نمی توانست پنهان بماند و یا دست کم گرفته شود زیرا ستون مخفیانه ای بود که بلند پروزیهایشان روی آن بنا شده بود. طرح «اسرائیل بزرگ» در شرف تکوین است به همین علت جلوی آن را باید گرفت (29).

پشتیبانی از جدائی طلبان گرد برای استقلال و ایجاد دولت به خرج دولتهای منطقه، غیر قانونی، عمیقاً خرد گریز، و به دلایلی که پیش از این در این مقاله بر شمردیم ناقض حقوق بشر است.

علاوه بر این باید یادآوری کنیم که یکی از رهبران اصلی داعش گرد است (30). اگر گردها می خواهند واقعاً به صلح پایبند باشند و در هم زیستی با دیگر مردمان منطقه زندگی کنند، باید از بازخوانی تحریف آمیز تاریخ اجتناب ورزند، و از اتحادهایی که ثبات کشورهای میزبانان را به مخاطره می اندازد صرف نظر

کنند. کردها باید دست در دست دیگر برادرانشان فضای جغرافیائی مشترکی داشته باشند. و این یگانه راهکاری ست که به آنها اجازه می دهد دوستان دیگری بجز کوهستانها داشته باشند.

[Sarah Abed](#)

- [1] "[Genocides Against the Assyrian Nation](#)", Assyrian International News Agency (AINA).
- [2] "[Today's Turkey continues the Armenian genocide](#)", Thierry Meyssan, Translation Pete Kimberley, Voltaire Network, May 14, 2015.
- [3] "[Seyfo 1915—Sold for a hen](#)", *The Syriac Orthodox Youth Association of Sweden*, April 22, 2015.
- [4] "[The Kurds and Assyrians : Everything You Didn't Know](#)", Max J. Joseph, *The Syriac Orthodox Youth Association of Sweden & Assyrian International News Agency*, March 31, 2016.
- [5] "[With Lamborghinis and Rooftop Sushi, Why Is Kurdistan Broke ?](#)", Sharon Beth, *Voice of America*, July 26, 2016.
- [6] "[Islamic Cleric Incites Muslim Kurds during Friday Prayers, Attacks on Assyrian Businesses Follow](#)", *Assyrian Information Management*, December 1, 2011.
- [7] "[Salwa Khalaf Rasho, statement to UK parliament](#)", *Ezidi Press*, March 15, 2016.
- [8] 160 000 combattants issus des tribus arabes iraqiennes ont rejoint Daesh.
- [9] "[Syria : The Criminal Empire's Strategy Of Divide, Conquer, and Destroy](#)", Sarah Abed, *The Rabbit Hole*, March 2, 2017.
- [10] "[Syria : 'We had nowhere to go' - Forced displacement and demolitions in Northern Syria](#)", *Amnesty International*, October 13, 2015.
- [11] "[US-Backed Forces in Syria Accused of Human Rights Violations. The Kurdish groups may also not share America's goals in the conflict](#)", Max J. Rosenthal, *Mother Jones*, November 9, 2015.
- [12] *A Line in the Sand : Britain, France and the struggle that shaped the Middle East*, James Barr, Simon & Schuster, 2012. *The Man Who Created the Middle East*, by Christopher Simon Sykes, William Collins, 2016.
- [13] "[Iraqi Kurdistan sees a Jewish revival, thanks to the Islamic State](#)", Dov Lieber, *Times of Israel*, March 15, 2016.
- [14] "[How Much Oil Does Iraq Have ?](#)", Gal Luft, *Brookings Institution*, May 12, 2003.

- [15] [“Kurds and the Armenian Genocide”](#), Deniz Serinci, *Rûdaw*, April 23, 2014. [“How Should Kurds Address Armenian Genocide ?”](#), Kani Xulam, *Rûdaw*, May 5, 2015.
- [16] [“The Armenian Genocide. Frequently asked questions”](#), Genocide 1915.
- [17] [“Morgenthau, Ambassador Henry, Sr.”](#), Rouben Paul Adalian, *Armenian National Institute*.
- [18] [Ambassador Morgenthau’s Story](#), by Henry Morgenthau, Doubleday, Page & Co., 1918.
- [19] Les faïli sont des nomades qui se sont convertis au chiisme et forment une tribu ayant son propre dialecte.
- [20] [“العبادي يؤكد « لا قانونية » استفتاء الأكراد على الانفصال”](#), Jawdat Kazem, *Al Hayat* (Iraq), June 18, 2017.
- [21] [“Congress threatens to cut payments to Iraqi Kurds if they break with Baghdad”](#), Bryant Harris, *Al-Monitor*, June 28, 2017.
- [22] [“The reason Tehran is against referendum on Iraqi Kurdistan”](#), Arash Karami, *Al-Monitor*, June 22, 2017.
- [23] [“إقليم كردستان العراق يجري استفتاء على الاستقلال في سبتمبر”](#), *BBC*, June 8, 2017.
- [24] [“Shiite Kurds challenge Iraqi Kurdistan independence”](#), Ali Mamouri, *Al-Monitor*, July 17, 2017.
- [25] [“On Racism, Patriarchy and Corruption in Iraqi Kurdistan”](#), Bruno Jantti, *TeleSur*, January 20, 2016.
- [26] [“LGBT Brigades In Syria ? Western Anarcho-Leftists Cutting Their Teeth With Western-Backed Kurdish YPG”](#), Brandon Turbeville, *Activist Post*, July 27, 2017. [“Le Rojava, un califat d’extrême gauche ? Réseaux “antifascistes” et terrorisme : le laboratoire kurde”](#), *Observatoire des extrêmes de gauche*, 16 août 2017.
- [27] [“The Myth of the Kurdish YPG’s Moral Excellence”](#), Stephen Gowans, July 11, 2017.
- [28] [“Syria : The Criminal Empire’s Strategy Of Divide, Conquer, and Destroy”](#), Sarah Abed, *The Rabbit Hole*, March 2, 2017.
- [29] [“Washington’s ‘Greater’ Middle East Project – Hand in Hand with Israel”](#), Sarah Abed & Mark Taliano, *21st Century Wire*, March 30, 2017.
- [30] [“The traitors helping ISIS wipe out their own people : How ethnic Kurds are using their knowledge of Kobane to coordinate Islamists’ city siege”](#), Chris Pleasance, *Daily Mail*, November 4, 2014.

لينك متن اصلى :

<http://www.voltairenet.org/article197800.html>

ترجمه حميد محوى